

پدر و مادر شهید کریم زادگان، بخشی از منزلشان را برای فعالیت نوجوانان اختصاص دادند

آشیانه محلی دختران «حضرت خدیجه» (س)



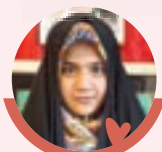
راه تجربه



محبوبه فرامرزی دخترها دور هم نشسته اند و نخودی می خندند. فاطمه سادات و دوستانش همگی چادر به سر دارند. گاه با هم در گوشه حرف می زنند و گاه در سکوت به صحبت بزرگ ترها گوش می دهند. روی دیوار، کار دستهای هابی نصب شده است که دخترها درستش کرده اند. ماجرا از آنجا شروع شد که هشت ماه پیش در پایگاه بسیج مسجد حقیقی تصمیم گرفتند در محله پاتوقی برای دخترها دست و پا کنند. این شد که بانوان فرهنگی محله همه فکر و ذکرشان پیدا کردن مکانی برای این پاتوق بود. بالاخره سر گرفت و حالا هر پنجشنبه در خانه پدر شهید، دخترها دور هم چند ساعتی وقت می گذرانند. آن هایک اتاق دوازده متری و یک آشپزخانه را با علاقه برای برگزاری هفتگی پاتوقشان در مدت دو هفته آماده کردند. حالانش ماهی می شود که این فضا در خانه پدر شهید سعید کریم زادگان در اختیار آن هاست. بعد از گذشت این مدت دخترهای پاتوق حضرت خدیجه (س) که ۱۰ نفرند، حسابی با پدر و مادر شهید خو گرفته اند.

روزشماری برای رسیدن پنجشنبه ها

فاطمه سادات سعادت دار کلاس ششم درس می خواند. او که از اولین پنجشنبه به این پاتوق آمده است، می گوید: روزشماری می کنم هفته تمام شود و پنجشنبه ها با دخترهای همسایه به اینجا بیاییم. از وقتی در این دورهمی شرکت می کنم، هم قرآنم بهتر شده است و هم در برنامه های مسجد بیشتر شرکت می کنم. به گفته فاطمه آن ها سرود تمرین کرده و همان را در برنامه های مسجد اجرا می کنند؛ همین به آن ها اعتماد به نفس زیادی داده است. گاهی هم با کمک مربی های بسیج مسجد، تأثیر تمرین می کنند.



پاتوق دختران حضرت خدیجه (س)

دخترها دور هم جمع شدند و دو هفته ای طول کشید تا فضای اتاق را آذین ببندند و برای پاتوق مهیا کنند. آن ها آن قدر با علاقه کار دست می کردند و تصاویر شهدا را روی دیوار می چسباندند که عباس کریم زادگان، پدر شهید، هم سر ذوق آمده بود. طوری که هر وقت خانواده کریم زادگان میهمان داشت، عباس آقا در پاتوق را باز می کرد و به میهمانان می گفت: «بیایید ببینید دخترها چقدر اتاقشان را قشنگ درست کرده اند.» صدیقه عبداللهی معلم قرآن بچه هاست و در مدارس و مساجد هم تدریس می کند. او با حوصله به تلاوت بچه ها گوش می دهد و ایرادشان در قرائت قرآن را تصحیح می کند. او می گوید: وقتی دنبال اسم برای پاتوق می گشتیم، خاطره ای باعث شد پیشنهاد بد هم اسم پاتوق را حضرت خدیجه (س) بگذارند. یک سال آموزش و پرورش می خواست به دخترانی که نامشان حضرت خدیجه (س) است، جایزه بدهد اما آنها در نفر این نام را داشتند؛ به نظرم رسید نام خدیجه مظلوم است. برای همین با موافقت بچه ها اسم پاتوق را حضرت خدیجه (س) گذاشتیم. بعد فهمیدیم اسم مادر بزرگ پدری شهید کریم زادگان هم خدیجه بود.



پیوندهای عمیق در پاتوق

محدثه عارضی ده ساله یکی دیگر از دخترهای پاتوق است. او مدام انگشتش را به نشانه اجازه بلند می کند و نکته ای به حرف های بزرگ ترها اضافه می کند. او می گوید: با نمد و روبان اتاق را تزئین کردیم. هر هفته پدر شهید برایمان خوراکی می آورد. از شیرینی گرفته تا میوه.



او می گوید: در پاتوق با دخترهای همسایه بیشتر دوست شدم. با آن ها در یک مدرسه درس می خوانیم اما از وقتی پنجشنبه ها با هم هستیم، بیشتر توانسته ایم با هم رقیق شویم. محدثه ادامه می دهد: از ساعت ۹ تا ۱۲ پنجشنبه ها در پاتوق هستیم. در این مدت که مدارس مجازی شده این دورهمی را به خاطر دیدن همکلاسی هایمان با جدیت دنبال می کنیم. بچه ها با خوشحالی دور هم نشسته اند و با هم گپ می زنند. از مسجد برایشان یک دیگ آش آورده اند. حالا وقتش رسیده به کمک هم سفره پهن کنند.

“

دفترها در این فضا امام شناسی می آموزند و قرآن تمرین می کنند. سرود می خوانند و در کل سبک زندگی اسلامی را با آموزش می دهند. بیشتر با دخترها درباره مسائل مختلف اعتقادی و سیاسی مانند دفاع از میهن، شهادت و حجاب گفت و گو می کنیم. بسیاری از دختران مادر تجمعات شبانه به همراه خانواده شرکت می کنند. به گفته عبداللهی، دخترها سؤالات زیادی در ذهنشان دارند که با پاسخ دوستانه قانع می شوند؛ راستش ماد هه صصتی ها جواب خیلی از سؤالاتمان را در سنن بالاتر، خودمان پیدا کردیم. دوست ندارم بچه های حالا سؤالات بی جواب داشته باشند. همین قدر در حد توانم است که به دخترهای کلاس، مشاوره و سؤالاتشان را جواب بدهم.»

مادر شهید استقبال کرد

وقتی فعالان فرهنگی مسجد به فکر مکانی برای پاتوقشان بودند، آرزو میآبادی که فرمانده بسیج مسجد حقیقی است. در جلسه قرآن محلی از بانوان خواست فضاهای مناسب را به آن ها معرفی کنند. فاطمه منتظر ابدی، مادر شهید کریم زادگان، درنگ نکرد و فوری اعلام کرد گوشه حیاط خانه شان فضایی مناسب دارد. پسر فاطمه خانم تا سال پیش با زن و فرزندش در آن خانه زندگی می کردند اما با به دنیا آمدن فرزند دوشم، دیگر فضای خانه جوابگوی نیاز خانواده ای چهار نفره نبود؛ به همین دلیل آن ها به جای دیگری نقل مکان کردند و سوئیت گوشه خانه، خالی رها شده بود. یک تیر و دو نشان زده شد. با استقبال فاطمه خانم، هم ثواب حضور معنوی دخترها به روح پسر شهیدشان می رسد و هم آن خانه بدون استفاده نبود. استفاده از خانه یک روز در هفته، آن هم سه چهار ساعت، برای فاطمه خانم و همسرش زحمتی نداشت. روز بعد، خانم های پایگاه بسیج آنجا رفتند و با روی باز مادر و پدر شهید مواجه شدند؛ حالا مانده بود جمع کردن دخترهای محله. خانم میآبادی یکی یکی در خانه همسایه های کوچه رازد و دختر دارها را شناسایی کرد. او دختران نه تا چهارده ساله محله را شناسایی کرد و از مادرانشان خواست اجازه بدهند آن ها هفته ای یک روز به پاتوق بیایند. همین که مادرها می فهمیدند دورهمی دختران بناست در خانه شهید کریم زادگان برگزار شود با خاطری جمع اجازه می دادند.

